

Research paper

1(1), 33-48, Fall and Winter, 2023

DOI: 10.22034/JLS.2023.60794

Semiotic-Semantic Examination of Words and Terms Used in Medical Science and Their Use in Persian Language

Faezeh Farazandehpour^{1*}
Bahareh Hadilo²

Article Info

Article type:

Research article

Article history:

Received: 6 October 2022

Accepted: 6 December 2022

Keywords:

sign,
symbol,
scheme,
icon,
choosing and combining

ABSTRACT

In this paper, in order to investigate the implicit meaning of medical words and terms in relevant semiotic system and to study their usage as symbols in Persian colloquial language, the proper data were collected from “Sokhan Oral Dictionary” and “Persian Colloquial Dictionary”, and then their implicit meanings were analyzed based on semantics and semiotics knowledge within Pierce framework. Then while presenting some examples for each concept in the medical semiotic schemes and also illustrating some instances of their implicit meaning in Persian language, it was distinguished that each of these symbols behave in a new way when confronting the semiotic schemes of Persian language. Most frequent application of medical words and terms is the usage of organ-words in Persian colloquial language. Some of these words are widely used in comparison to the other terms of colloquial Persian language and are mostly applied in their implicit meaning such as the word “gut” in this proverb: “there’s no straight gut in his stomach” (i.e., he is not honest) or the word “skeleton” in this expression: “he is like a skeleton” (i.e., he is very thin). In general, it was found that such words and terms which are used in the Persian proverbs are mostly represented as icons and are actually counted as metaphors and the metaphors can be considered as iconic signs.

Cite this article: Farazandehpour, F. and Hadilo, B. (2023). “Semiotic-Semantic Examination of Words and Terms Used in Medical Science and Their Use in Persian Language”. *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (1), 33-48.



© The Author(s)

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/JLS.2023.60794

1. Assistant professor, Department of Linguistics, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) f_farazandeh@yahoo.com
2. Ph.D. in Linguistics, Department of Linguistics, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. bahareh.hadilo@gmail.com

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

نظریه و کاربرد

سال اول، دوره اول، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۴۸-۳۳

بررسی نشانه-معنا شناختی واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی در علم پزشکی و کاربرد آن- ها در زبان فارسی

فائزه فرازنده پور*^۱ و بهاره هادی لو^۲

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در این مقاله به منظور بررسی مفهوم ضمنی واژه‌ها و اصطلاحات نظام نشانه‌ای پزشکی که به عنوان نماد به نظام نشانه‌ای زبان فارسی راه یافته و به کار می‌روند، از «فرهنگ شفاهی سخن» و «فرهنگ فارسی گفتاری»، داده‌های مناسب با موضوع پژوهش استخراج شده و با استفاده از دانش معنی-شناسی و نشانه‌شناسی و بر اساس چارچوب نظری پیرس به تحلیل معنای ضمنی آن‌ها پرداخته شده و با ذکر نمونه برای هر یک در مفهوم صریح‌شان در نظام نشانه‌ای پزشکی، همچنین ضمن ارائه نمونه‌هایی برای کاربرد مفهوم ضمنی این واژه‌ها و اصطلاحات در زبان فارسی، مشخص شد که هر یک از این نمادها به هنگام انتقال به نظام نشانه‌ای زبان فارسی از رفتار تازه‌ای برخوردار می‌شوند. بیشترین میزان استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات پزشکی، کاربرد اندام‌واژه‌ها در زبان فارسی محاوره‌ای می‌باشد و در این میان چند اندام‌واژه کاربرد گسترده‌تری نسبت به بقیه در اصطلاحات فارسی گفتاری دارند و اکثراً در معنای ضمنی خود به کار می‌روند؛ مانند اندام‌واژه «روده» در «یک روده راست تو شکمش نداره». به طور کلی، نتایج نشان داد که واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی در علم پزشکی عموماً به صورت شمایل‌بازنمایی می‌شوند و در واقع استعاره محسوب می‌شوند و استعاره را می‌توان جزو نشانه شمایی محسوب کرد.
تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۷/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۵	
واژه‌های کلیدی: نشانه، نماد، نمایه، شمایل، انتخاب و ترکیب	

استناد: فرازنده پور، فائزه و بهاره هادی لو (۱۴۰۱). «بررسی نشانه-معناشناختی واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی در علم پزشکی و کاربرد آن‌ها در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد، ۱(۱)، ۴۸-۳۳.
ناشر: دانشگاه کردستان



حق مؤلف: نویسندگان

DOI: 10.22034/JLS.2023.60794

۱. استادیار زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) رایانامه:

f_farazandeh@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

bahareh.hadilo@gmail.com

۱. مقدمه

در هر زبانی به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای، تأییراتی را می‌توان یافت که از نظام‌های نشانه‌ای غیرزبانی به آن تحمیل می‌شود. برای نمونه، ما از نظام نشانه‌ای خوراکی‌ها ساخت‌هایی نظیر «بوی شیرین پلو گرفته» یا «کله‌اش بوی قرمه‌سبزی می‌دهد» را می‌بینیم که نوعی گذر از نظام نشانه‌ای خوراکی‌ها به نظام نشانه‌ای زبان فارسی است. در همین مورد می‌توان از نظام نشانه‌ای میوه‌ها نیز نمونه‌هایی را نظیر «مثل هلو می‌ماند» ذکر کرد که انتقال واحدهایی از نظام نشانه‌ای میوه‌ها در نظام نشانه‌ای زبان فارسی است. مسأله اصلی در پژوهش حاضر این است که معلوم کنیم از میان نظام نشانه‌ای پزشکی چه واحدهایی به زبان فارسی راه یافته‌اند و در مفهومی ضمنی به کار می‌روند. به‌عبارتی این پژوهش در پی آن است که به یک دسته‌بندی در میان واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی علم پزشکی که به نظام نشانه‌ای زبان فارسی راه یافته‌اند و در مفهومی ضمنی به کار می‌روند، دست یابد و میزان استفاده هر دسته را بررسی نماید، همچنین با بررسی رفتار این واژه‌ها و اصطلاحات در هنگام ورود به نظام نشانه‌ای جدید پاسخی برای این مسأله بیابد که این واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی علم پزشکی که به نظام نشانه‌ای زبان فارسی راه یافته‌اند، در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی به چه نحوی بازنمایی می‌شوند. برای مثال، می‌توان از اصطلاحاتی نظیر «سکته» در جمله‌ای نظیر «سکته کردم»، «قرص» در جمله «قرص‌ها تو نشسته خوردی»، «روده» در جمله‌ای نظیر «یک روده راست تو شکمش نداره»، «اسکلت» در جمله‌ای نظیر «عین اسکلت میمونه»، «رگ» در جمله‌ای نظیر «رگ خوابش دستمه»، «چشم» در جمله‌ای نظیر «یارو خیلی چشم سفیده»، یا «تب» در جمله‌ای نظیر «واسه کسی بمیر که برات تب کنه» یاد کرد. همچنین، از بسیاری از واژه‌های تابو نیز می‌توان نام برد که از این نظام وارد نظام زبان فارسی شده‌اند و به‌عنوان دشواژه کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده‌اند و به دلیل همین گستردگی و تغییر کاربرد از نشانه قراردادی یا علی به شمایل تبدیل شده‌اند. در زبان فارسی پژوهش‌های متعددی در حوزه نشانه‌شناسی صورت پذیرفته است، اما آنچه برای نگارندگان مسلم می‌نماید این است که تاکنون پژوهش‌های بسیار اندکی در باب انتقال واحدهای یک نظام نشانه‌ای به نظام نشانه‌ای زبان فارسی صورت پذیرفته است. بنابراین، پژوهش‌هایی از این دست در زمینه مذکور ضروری می‌نماید. شایان ذکر است که در پژوهش حاضر از چارچوب نظری پیرس در باب طبقه‌بندی نشانه بهره‌گیری شده است و از نظام ترکیب و انتخاب که بسیاری از اندیشمندان و زبان‌شناسان مانند یاکوبسن در باب آن سخن گفته‌اند، استفاده شده است. ولی مبنای کار مقاله حاضر، کتاب *از زبان‌شناسی به ادبیات اثر صفوی (۱۳۹۰)* و مفهوم انتخاب با توجه به نشان‌داری التزامی است که برای نخستین بار از سوی افراسی (۱۳۷۹) معرفی شده است.

۲. پیشینه پژوهش

از زمان آغاز پیدایش فلسفه در یونان باستان، فیلسوفان آن دوره همواره به موضوع نشانه و دلالت توجه داشته‌اند. واژه یونانی semeion در آثار بقراط به کاررفته است و همچنین در آثار سیسرون و کوینتیلیان در دوره‌ی امپراطوری روم و هم‌معنی با tekmerion در معنی «نشانه‌ای برای آنچه غایب است» به کار می‌رفته است. (Clarke, 1987: 12). برای نمونه، در این نوشته‌ها بیشتر به نشانه‌هایی نظیر: «دود» به‌عنوان نشانه «آتش» و «ابر سیاه» به‌عنوان نشانه «طوفان» پرداخته شده است، که در تمامی موارد «چیزی به چیز دیگری غیر از خودش دلالت می‌کند». از مهم‌ترین فیلسوفانی که در این دوره به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به آرای افلاطون، ارسطو، رواقیان، اپیکوریان و نیز کویین تیلیان اشاره کرد. افلاطون در رساله کراتیلوس، که مناظرهای است در باب منشأ زبان و رابطه میان واژه‌ها و معنای آن‌ها، به این نکته اشاره دارد که اگر واژه را دال بدانیم و معنای آن را مدلول بنامیم؛ در واقع، رابطه دال و مدلول طبیعی است. ارسطو در کتاب در باب تعبیر، به این موضوع اشاره می‌کند که سخن گفتن عکس برگردان دریافت‌های ذهن است و نوشتن عکس برگردان سخن گفتن است. ارسطو با طرح دیدگاهش در فن خطابه میان دو نوع نشانه الزامی تمایز قائل شده است. ارسطو «حرارت بالای بدن» را نشانه الزامی برای دلالت بر «تب» می‌داند و در مقابل «نفس نفس زدن» را نشانه‌ای احتمالی برای دلالت بر «تب» ذکر می‌کند، زیرا می‌تواند در معانی دیگری نیز به کار رود. وی بر قراردادی بودن الفاظ زبان تأکید دارد و آن‌ها را نماد به حساب می‌آورد. آرای وی در باب نشانه‌ها بر آرای رواقیان و اپیکوریان نیز تأثیر داشته است. در عصر جدید، سوسور و پیرس دو بنیانگذار دانش نشانه‌شناسی به حساب می‌آیند. سوسور برخلاف پیرس توجه چندانی به این دانش نداشته و تنها در دوره سوم تدریسش به حضور چنین دانشی را در آینده اشاره می‌کند. با وجود این آنچه وی درباره نشانه زبان مطرح می‌کند آنچنان تأثیرگذار بوده که می‌توانست زبان‌شناسی را به الگویی برای نشانه-شناسی مبدل سازد. در مقابل، پیرس نشانه‌شناسی را شاخه‌ای از فلسفه و به‌ویژه منطق حساب می‌کرده و با الگوگیری از مطالعات در باب نشانه نشانه‌شناسی را semiotics می‌نامد. وی به دسته‌بندی انواع نشانه‌ها پرداخته و ۶۶ نشانه را از یکدیگر تفکیک کرده است که از میان آن‌ها تنها سه نشانه یعنی شمایل، نمایه و نماد مورد تأیید قرار می‌گیرند. در قرن بیستم مطالعات متعددی از هر دو قالب نشانه‌شناسی سوسور یا پیرس یا مسیری در میان این دو دیدگاه صورت گرفته که ما را به دانش امروزی نشانه‌شناسی می‌رساند. از نشانه‌شناسان این دوره می‌توان به چارلز موریس (1938)، (رومن یا کوبسن، 1978)، و روالند بارتز (1967) اشاره کرد. با توجه به اینکه در میان زبان‌شناسان ایرانی نشانه‌شناسی هنوز نوپا است و فراتر از چند دهه بیشتر نمی‌رود، اما در همین مدت پژوهش‌هایی شایان توجه در این حوزه انجام گرفته است. آغاز این راه را باید مجموعه وسیعی از ترجمه‌هایی دانست که در معرفی آرای نشانه‌شناسان غربی صورت پذیرفته است، ترجمه کتاب فردینان دو سوسور نوشته جانان‌تال کالر به قلم

صفوی (۱۳۷۹) یکی از نخستین کتاب‌هایی است که در آن از نشانه از دیدگاه سوسور سخن به میان می‌آورد. در این میان نوشته‌های متعددی نیز به تألیف در آمدند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نشانه‌شناسی کاربردی اثر سجودی (۱۳۸۷) است. او بر این باور است که مطالعه نشانه صرفاً زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که هر نظام نشانه‌ای در لایه‌های متعددی از عملکرد نشانه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. مجموعه وسیعی از مقالات این نشانه‌شناس ایرانی، در کتاب نشانه‌شناسی: نظریه و عمل (۱۳۸۸) آمده است. شعیری (۱۳۹۵) نیز در کتاب نشانه-معناشناسی ادبیات پس از بررسی انواع نشانه و مکاتب نشانه‌شناسی و دسته‌بندی آن‌ها به تحلیل نظریه و روش در گفتمان ادبی با توجه به نظام‌های چهارگانه کنشی، تنشی، شوشی و بوشی می‌پردازد. آنچه در اصل الگوی مطالعه حاضر قرار گرفته است، کتاب آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات اثر صفوی (۱۳۹۳) است. وی در این کتاب برای نخستین بار به روش نظام‌مند مطالعه نشانه‌ها اشاره دارد و به انتقال واحدهای یک نظام نشانه‌ای به نظام نشانه‌ای دیگر توجه می‌کند. پژوهش‌های متعددی در مورد نشانه‌شناسی در حوزه‌های مختلف نظام زبان در ایران انجام پذیرفته است که به دلیل ارتباط بیشتر تنها به ذکر دو مورد که به انتقال واحدهای نظام‌های نشانه‌ای به یکدیگر پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

گل محمدزاده (۱۳۸۴) به نشانه‌شناسی رنگ و واژه‌های زبان فارسی پرداخته است. در این بررسی وی اذعان داشته که رنگ‌واژه‌های زبان فارسی را می‌توان در قالب بررسی نشانه‌شناختی در لایه‌های نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادی طبقه‌بندی کرد.

محمدی (۱۳۹۴) به نشانه‌شناسی نمادهای ریاضی در زبان فارسی پرداخته است. وی در پژوهش خویش به این نتیجه رسیده است که مجموعه‌ای از نمادهای ریاضی به زبان فارسی راه یافته‌اند و بر حسب مفهوم صریح‌شان می‌توان به دسته‌بندی رفتار این نمادها در نظام زبان فارسی پرداخت.

۳. روش پژوهش

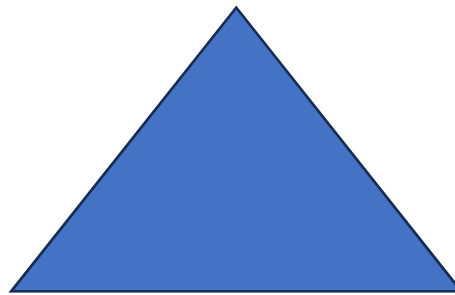
ماهیت روش این تحقیق کیفی، توصیفی-تحلیلی است که با توصیف ویژگی‌های نشانه‌های زبانی و نشانه‌های موجود در علم پزشکی و سپس تحلیل رفتارهای آن‌ها به هنگام ورود به یک نظام نشانه‌ای دیگر می‌پردازد. داده‌های اولیه از زبان فارسی محاوره‌ای در محدوده‌ی مجموعه‌ای از فرهنگ‌های معاصر فارسی نظیر «فرهنگ شفاهی سخن» و «فرهنگ فارسی گفتاری» استخراج شده‌اند. سپس با استفاده از دانش معنی‌شناسی و نشانه‌شناسی و بر اساس چارچوب نظری پیرس به تحلیل معنای ضمنی آن‌ها پرداخته شده و با ذکر نمونه برای هر یک در مفهوم صریح‌شان در نظام نشانه‌ای پزشکی، ضمن ارائه نمونه‌هایی برای کاربرد مفهوم ضمنی این واژه‌ها و اصطلاحات در زبان فارسی، به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم. شایان ذکر است که از میان نظریات مختلف

اندیشمندانی که پیشتر نامشان در پیشینه مطرح شد مبانی نظری پژوهش حاضر بر اساس طبقه‌بندی پیرس از انواع نشانه در نظر گرفته شده است که در اینجا به شرح مختصری از این طبقه‌بندی بسنده می‌کنیم.

۴. چارچوب نظری پژوهش

چارلز سندرس پیرس از نوعی الگوی سه وجهی برای معرفی فرآیند دلالت بهره می‌گیرد که برخلاف الگوی دووجهی سوسور است: الف. چیزی است که برای کسی بنا به دلیلی به چیز دیگری دلالت می‌کند. بازنمون همان نشانه در ذهن آن شخص، نشانه معادلی را پدید می‌آورد. من این نشانه دوم را تفسیر می‌نامم. این نشانه دلالت بر یک موضوع دارد (صفوی، ۱۳۹۳: ۲۹). نشانه، در شکل بازنمون، چیزی است که از دید کسی، از جهتی یا ظرفیتی به جای چیز دیگری می‌نشیند. نشانه کسی را خطاب می‌کند، یعنی در ذهن آن شخص نشانه‌ای برابر یا شاید نشانه‌ای بسط‌یافته‌تر به وجود می‌آورد. نشانه‌ای را که بازنمون در ذهن مخاطب می‌آفریند تفسیر نشانه نخست نامیده‌ام. نشانه به جای چیزی قرار می‌گیرد که همان موضوع یا ابژه آن نشانه باشد. نشانه از همه جهات به جای موضوع یا ابژه‌هاش نمی‌نشیند، بلکه در ارجاع به نوعی ایده که من گاهی زمینه بازنمون نامیده‌ام، به جای موضوع می‌نشیند (Peirce, 1958). بازنمون یعنی صورتی که نشانه به خود می‌گیرد و لزوماً مادی نیست. تفسیر که نه یک تفسیرگر بلکه ادراکی است که توسط نشانه به وجود می‌آید و موضوع که نشانه به آن ارجاع می‌دهد (Chandler, 2002). پیرس برهم‌کنش میان بازنمون، موضوع و تفسیر را فرآیند «نشانگی» می‌نامد (همان:). در چارچوب الگوی پیرس از نشانه، چراغ راهنمایی بازنمون است، توقف خودروها موضوع آن است و این فکر که چراغ قرمز به معنای آن است که خودروها باید متوقف شوند تفسیر آن است (Chandler, 2002:33).

دلالت از دیدگاه پیرس



بازنمون

موضوع

پیرس نشانه را تنها محدود به نشانه زبانی نمی‌داند. الگوی پیرس از نشانه شامل موضوع یا مصداق است که چنین چیزی مستقیماً در الگوی سوسور وجود ندارد. به اعتقاد صفوی (۱۳۹۳: ۳۰) بازنمون را نمی‌توان معادل دال سوسور در نظر گرفت، همچنین نمی‌توانیم تفسیر را چیزی شبیه به مدلول یا موضوع را با مصداق یکی در نظر بگیریم. پیرس در نوشته‌هایش ۶۶ نوع مختلف از نشانه‌ها را بازمی‌شناسد که از میان آن‌ها سه نوع نشانه از

اهمیت بسیاری برخوردارند و پیرس این طبقه‌بندی را، بنیادترین تقسیم‌بندی نشانه‌ها می‌داند. پیرس می‌نویسد: سه نوع نشانه وجود دارد؛ نخست مشابهات یا شمایل‌ها که تصوراتی از چیزهایی را که می‌نمایند صرفاً از طریق تقلید تصویری آن‌ها به دست می‌دهند. دوم شاخص‌ها یا نمایه‌ها؛ که از طریق ارتباط فیزیکی با چیزها به آن‌ها دلالت می‌کنند... سوم، نمادها یا نشانه‌های عام که از طریق کاربرد در با معنای‌شان پیوند یافته‌اند. بیشتر واژه‌ها از این نوعند، به باور وی، شمایل نشانه‌ای است که در آن رابطه میان بازنمون و موضوع مبتنی بر شباهت باشد که می‌توان از یک عکس، مجسمه فردوسی مشهور یا حتی استعاره نامبرد که نوعی نشانه از نوع شمایل به حساب می‌آیند، همچنین نام آواها نیز از نوع شمایل‌اند. نمایه نشانه‌ای است که در آن رابطه میان بازنمون و موضوع مبتنی بر «علت» باشد که در این مورد می‌توان رابطه «دود» را با «آتش» در نظر گرفت. همچنین، حروف اشاره و علامت شخصی هم نمایه محسوب می‌شوند. نماد از دیدگاه پیرس، نشانه‌ای است که در آن رابطه میان بازنمون و موضوع مبتنی بر قرارداد باشد مانند تابلوهای راهنمایی و رانندگی و حلقه انگشت دوم دست چپ.

میزان قراردادی بودن رابطه بین نشانه و موضوع آن در این سه نوع نشانه به ترتیب کاهش می‌یابد. نشانه‌های نمادین از جمله زبان بسیاری قراردادی‌اند؛ نشانه‌های شمایی تا حدی قراردادی‌اند و نشانه‌های نمایه‌ای توجه را بر اساس اجباری کور به موضوع‌هایشان معطوف می‌کنند (پیرس، ۱۳۸۱: ۵۹) به اعتقاد پیرس نمایه را می‌توان به موجب سه ویژگی از سایر نشانه‌ها یا بازنمودها متمایز کرد. نخست اینکه نمایه‌ها هیچ شباهت قابل توجهی به موضوع‌هایشان ندارند؛ دوم اینکه افراد، واحدهای منفرد، مجموعه‌های منفرد از واحدها، با پیوستارهای منفرد دلالت می‌کنند؛ سوم آنکه نمایه‌ها توجه را از طریق نوعی اجبار کور به موضوع‌هایشان جلب می‌کنند. از نظر روان‌شناختی عمل نمایه‌ها به تداعی ناشی از مجاورت وابسته است و نه تداعی ناشی از مشابهت با عملیات فکری (پیرس، ۱۳۸۹: ۵۹). چندلر در مورد تقسیم‌بندی سه‌گانه پیرس می‌گوید: اینکه نشانه‌ای نمادین است، شمایی است یا نمایه‌ای در اصل به شیوه کاربرد آن نشانه وابسته است (Chandler, 2002:43).

دو فرآیند ترکیب و انتخاب را در مباحث معنی‌شناسی و نشانه‌شناسی چگونه می‌توان مطرح کرد. ترکیب یا انتخاب در سطح معنایی در نهایت به تحلیل دو فرآیند مجاز و استعاره می‌انجامد که برحسب سنت در حوزه ادبیات بیان می‌شوند. اما بیشتر نشانه‌شناسان مطالعه این فنون ادبی را در حوزه نشانه‌شناسی می‌دانند. چندلر (۱۳۸۷) بر این باور است که فنون بالعی صرفاً با بیان چگونگی اندیشه‌ها کار ندارند، بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیر دارند. لیکاف و جانسون می‌گویند: «اساس استعاره، فهم و تجربه یک چیز به مثابه چیز دیگری است» (Lakoff and Johnson, 1980:5) از دیدگاه نشانه‌شناسی، استعاره شامل یک مدلول است که به عنوان یک دال برای ارجاع به مدلولی متفاوت عمل می‌کند. لیکاف و جانسون (1980) اذعان دارند که استعاره‌ها ممکن است در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشند، اما در عین حال بر این باورند که استعاره دلخواهی نیست و از تجربه

فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی نشأت می‌گیرد. استعاره‌های غالب نیز انعکاس ارزش‌های فرهنگ‌ها یا خرده فرهنگ‌ها هستند و هم بر این ارزش‌ها تأثیر می‌گذارند. استعاره نوع خاصی از جانشینی معنایی است که در آن یک نشانه به جای نشانه‌ای دیگر برحسب تشابه انتخاب می‌شود و به کار می‌رود. این تشابه نیز ویژگی مشترکی است که مدلول نشانه اول و مدلول نشانهی دوم از آن برخوردارند و باعث می‌شود تا بتوان دال یک نشانه را عالوه بر مدلول اولیه خود، به مدلول دیگری نیز پیوند زد. شایان ذکر است که «فرآیندهای دخیل در ساخت استعاره، بیش از آنکه صرفاً زبانی باشند، شناختی‌اند. استعاره به مثابه پدیداری شناختی، باید در سایر نظام‌های نشانه‌ای نیز تجلی یابد» (افراشی، ۱۳۸۳: ۳۳ به نقل از صفوی، ۱۳۹۳).

صفوی معتقد است که هر نشانه‌ای صرفاً به دلیل تشابه معنایی با نشانه‌ای دیگر انتخاب نمی‌شود، زیرا اگر چنین بود «قدیار» باید دست کم در یک شعر هم که شده به جای «سرو» به «چنار»، «منار»، «تیر چراغ برق» و امثال آن تشبیه می‌شد. بنابراین، از پیش واضح است که ورای تشابه، مشخصات دیگری نیز مطرح هستند (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). در تقابل‌های دو ارزشی، معمولاً نوعی عدم تقارن پیش می‌آید و سبب می‌گردد تا یکی از متقابل‌ها نسبت به متقابل دیگر «نشاندار» به حساب آید. معمولاً نشانداری را در معنی‌شناسی به‌لحاظ صوری، توزیعی و معنایی طبقه‌بندی می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۵۰). اما در این میان نشانداری دیگری نیز مطرح است که موراوچیک و ورث به آن اشاره داشته و برای نخستین بار از سوی افراشی معرفی گردیده‌است. افراشی این‌گونه از نشانداری را «نشانداری التزامی» نامیده و معتقد است که جزئی از مدلول یک نشانه برای آن نشانه الزاماً وجود می‌گردد (افراشی، ۱۳۷۹).

۵. تحلیل داده‌ها

داده‌های فراوانی از فرهنگ‌های «شفاهی سخن» و «فارسی گفتاری» استخراج گردید، ولی به دلیل اینکه تحلیل همه آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد تنها به ذکر و تحلیل برخی از آن‌ها به صورت نمونه بسنده شده است، واحدهای تحلیل: منظور از واحدهای تحلیل در پژوهش حاضر واحدهایی از نظام نشانه‌های پزشکی مانند اندام‌واژه‌ها، بیماری‌ها، داروها و عوامل بیماری‌زا و... هستند.

۵-۱ اندام‌واژه‌ها

در مورد اندام‌واژه‌ها ذکر این نکته ضروری می‌نماید که این گروه ممکن است در نظام‌های نشانه‌های دیگر هم وجود داشته باشند و تنها متعلق به نظام نشانه‌شناسی پزشکی نباشند ولی از آنجا که غالباً علم پزشکی با تشریح و آناتومی و ریخت‌شناسی سر و کار دارد در ابتدا به این گروه پرداخته خواهد شد، اصولاً به دلیل واقع شدن سر در بالای بدن می‌توان ترتیب اندام‌واژه‌ها را از سر شروع کرد و به ترتیب ادامه داد. سر به‌عنوان بالاترین بخش بدن انسان و یکی از مهم‌ترین اندام‌های موجود در اکثر جانداران است که مغز یعنی مرکز

فرماندهی بدن در آن قرار دارد و چون بالاترین و بخش آغازین بدن است، در واقع ابتدا و آغاز را نیز نشان می‌دهد. *با سر آمدن*: با میل و رضایت آمدن؛ *با سر دویدن*: با رضایت کامل آمدن. دویدن و راه رفتن در واقع کار پا است و تصمیم گرفتن و فکر کردن کار مغز و سر است. در اینجا منظور این است که به دلیل اشتیاق بیش از حد به موضوعی دیگر سر و مغز نیازی به فکر کردن و تصمیم‌گیری ندارند و بجای آنکه به اندام‌های دیگر فرمان رفتن بدهند خود شروع به این کار می‌کنند. در اینجا با توجه به نشاننداری التزامی که افرایشی مطرح می‌کند، چون معمولاً اگر شخصی بخواهد موافقت خود با موضوعی را به غیر از نظام گفتاری زبان نشان دهد از پایین آوردن و تکان دادن سر استفاده می‌کند می‌توان این گونه برداشت کرد که در میان اندام‌واژه‌ها علامت دادن با سر در واقع نشاندار شده است. *با سر خود بازی کردن*: خود را به خطر افکند. در اینجا تحلیل واژه بازی بسیار مهم می‌نماید، چرا که اگر آن را به معنای باختن بگیریم نشان‌دهنده آن است که شخص احتمال دارد با ارتکاب عمل یا گفتن سخنی جان خود را به خطر بیاندازد که چون در گذشته اعدام‌ها با زدن سر انجام می‌شده به معنای سرباختن است. برای مثال، *مخ بودن*: بسیار دانابودن در چیزی است. *مخ* از آنجا که در واقع مرکز بسیاری از تحلیل‌هاست در اینجا به نشانه‌درک و فهم بالا به کار رفته است. *مغز کسی بتون آرمه بودن*: کودن و دیرفهم بودن او، تشبیه مغز کسی به بتون به دلیل غیرقابل نفوذ بودن، در واقع، نشان‌دهنده این مطلب است که شخص از درک سریع و راحت مسائل عاجز است. *مغز*: دانشمند و نابغه به نشانه دانشمند و اندیشمند-بودن شخص به کار رفته است. بدین دلیل که این گونه افراد از مغزشان بیشتر استفاده می‌کنند و در نتیجه مغزشان حجم بیشتری پیدا می‌کند. *موی شکافتن*: باریک‌بین و دقیق بودن مو در نشانه ظرافت و باریکی به کار رفته است و در اینجا نشانه‌ای از دقیق بودن بسیار و توجه به ظریف‌ترین نکات می‌باشد. *چشاش سگک داره*: گیرایی دارد، به دلیل اینکه سگک به عنوان حیوانی است که در شکار به سرعت می‌دود و شکار می‌کند و قدرت زیادی در گیرندگی دارد این اصطلاح به کار می‌رود. گیرایی زیاد چشم‌های شخصی باعث می‌شود افراد زیادی مجذوب وی شوند. *دندان شکن*: قاطع دندان به نشانه قاطع و محکم بودن به کار رفته است. پاسخ دندان شکن در معنای ضمنی این موضوع به کار رفته که چنان پاسخ قاطعیست که مانند ضرب‌های که به دهان می‌خورد و باعث شکستن دندان می‌شود.

آب از چک و چانه (لب و لوجه، لک و لوجه) کسی سرازیر شدن: نمایان شدن آرزو و اشتیاق درونی او به دلیل اینکه هنگام دیدن یک خوراکی مورد علاقه به‌طور ناخودآگاه بدن شروع به ترشح بزاق بیشتر از حالت عادی می‌نماید و آب زیادی در دهان جمع می‌شود، این موضوع می‌تواند به نوعی اشتیاق انسان نسبت به چیزی را بازگو نماید.

آتش زبان: دارای زبان تند و تیز

در اینجا سوزاننده بودن سخن تند کسی که بر زبان وی جاری می‌شود و باعث آزار دیگران می‌گردد به آتش تشبیه شده است.

اسکلت: بسیار الغر و ضعیف.

پوست و استخوان: لاغر.

به دلیل اینکه شخص بسیار لاغر اندام استخوان‌هایش از زیر پوست خودنمایی می‌کنند و اسکلت بدنی وی نمایان است در نشانه لاغر بودن از این اصطلاحات استفاده می‌کنند.

با یک دست دو تا هندوانه برداشتن: چند کار را با هم انجام دادن.

این اصطلاح در معنای ضمنی برای انجام کاری به کار می‌رود که ناممکن یا با احتمال موفقیت بسیار پایین می‌باشد. یک دست به نشانه تنه‌بودن و نبودن دستی کمک‌کننده است.

انگشت‌شمار: معدود؛ محدود؛ کم

نشانه چیزی بسیار کم است در حدی که به تعداد انگشتان دست است و بتوان با کمک انگشتان دست آنرا شمرد.

یاخته ساختمان: آجر.

یاخته یا سلول به نشانه کوچکترین جزء سازنده ساختمان یعنی آجر به کار رفته است که در واقع یاخته و آجر هر دو از نظر کارایی شبیه هستند.

پا به رکاب: آماده رفتن

در اینجا پا به نشانه آماده بودن برای رفتن به جایی یا انجام کاری است.

۲-۵ بیماری‌ها

آمبولی شدن: احتیاج به آمبولانس پیدا کردن؛ بدحال شدن؛ حال کسی گرفته شدن

آمبولی یک اصطلاح پزشکی است که در اثر ایجاد لخته‌های خون معمولاً پس از اعمال جراحی و ایجاد انسداد در رگ‌ها باعث مرگ می‌شود. در اینجا از یک کاربرد دو گانه برخوردار است که یکی به همین معنی یعنی بد حالی و دیگری به صورت تخفیف یافته آمبولانس گفته می‌شود که در هر دو صورت نشانه گرفته شدن حال کسی است.

یک تب و یک مرگ: کنایه از مرگ راحت و سریع

تب اولین علامتی است که در بدن به دلیل بروز بیماری یا وجود عوامل بیماری‌زا به وجود می‌آید و مرگ، در واقع، می‌تواند آخرین و وخیم‌ترین پیامد آن باشد. در اینجا مراحل مختلف موجود در یک بیماری که

همواره برای یک بیمار زجرآور است درواقع به نوعی حذف شده‌اند و مرگ وی مرگی راحت و سریع تلقی شده است.

اسهال زمین: آتشفشان

اسهال قلم: جزوه دانشجویی؛ هر چیزی که خیلی زیاد نوشته شود و فاقد ارزش باشد. در هنگام اسهال آب زیادی از طریق روده‌ها دفع می‌شود. در زمان وقوع آتشفشان شاهد خروج عناصر موجود در دل زمین به صورت مواد مذاب و مایع هستیم از این رو بیماری اسهال به نشانه مایع شدن و روان شدن مواد داخل زمین به کار رفته است. همین‌طور، به دلیل آبکی بودن جزوه‌های دانشجویی را نیز که به قلم دانشجویان نوشته می‌شود ولی در بیشتر موارد فاقد ارزش علمی است نیز بدان تشبیه شده است.

استفراغ کوه: آتشفشان

به دلیل اینکه در استفراغ مواد درون معده از دهان با شدت بیرون می‌ریزند از این نشانه برای آتشفشان نیز استفاده می‌شود که در آن از دهانه کوه مواد مذاب با فشار بیرون می‌جهند.

تومور بودن: آزاردهنده و ناخوشایند بودن

تومور مغزی: ۱- ناخوشایند؛ آزاردهنده ۲- درس‌های مشکل مثل ریاضی تومور مغزی ضایع‌های ناخوشایند و تقریباً غیر قابل علاج در مغز است که در اینجا به نشانه ناخوشایند بودن و نداشتن حس خوب نسبت به مسئله‌ای به کار می‌رود. برای مثال، به دلیل اینکه درس ریاضی درسی تحلیلی و مشکل می‌نماید و معمولاً برای افراد ناخوشایند است از این لفظ برای آن استفاده می‌شود.

سرطان: پا پیچ؛ مزاحم؛ عذاب آور و غیر قابل تحمل

سرطان ابروداشتن: ابروان پر پشت داشتن

سرطان بیماری است که از رشد بی‌رویه و غیرعادی برخی از سلول‌ها و استفاده آن‌ها از مواد مورد نیاز سایر سلول‌ها و ایجاد مزاحمت برای بقیه سلول‌ها ایجاد می‌شود بدین ترتیب به نشانه مزاحمت و پر پشت بودن یعنی رشد و حجم زیاد به کار رفته است.

۳-۵ داروها

استامینوفن: ۱. آنکه مدام دیده شود، ۲. آنکه بودنش موجب آرامش است

استامینوفن بودن: آرام بخش بودن؛ ساکت و آرام بودن

استامینوفن کم ضررترین و در دسترس‌ترین مسکن و آرام بخش درد در پزشکی است از اینرو به کسی که دائم در دسترس باشد و زیاد دیده شود و یا مایه آرامش باشد گویند.

آنتی بیوتیک: حمام عالی

راه حل آسپرینی: راه حل سریع و موقتی

آسپرین در پزشکی به هنگام بروز درد برای تسکین سریع اما موقت و نه درمان قطعی به کار می‌رود که در اینجا نیز نشانه‌ راه‌حلی موقتی و سریع برای کاهش مشکلات است

ویتامین: دوست داشتنی؛ جذاب

ویتامین پ: پارتی

ویتامین پ در اینجا به قیاس از ویتامین‌های موجود در علم پزشکی و در معنای ضمنی پارتی داشتن به کار رفته است. از آنجا که ویتامین‌ها باعث تقویت بدن می‌شوند وجود پارتی نیز برای شخص به منزله پشتیبانی و نیروی تقویت‌کننده است. همچنین، به نوعی از سر واژه‌سازی استفاده شده است.

۵-۴ عوامل بیماری‌زا

انگل: مزاحم

انگل به دلیل اینکه برای بقای خود نیاز به یک میزبان دارد که در واقع باعث ضعیف شدن میزبان خود می‌شود در اینجا به نشانه فرد مزاحم و بی‌فایده به شمار می‌رود.

انگل‌داری: به کسی می‌گویند که بدون دلیل به آزار و اذیت دیگران می‌پردازد.

کسی که دچار بیماری انگلی در دستگاه گوارش می‌شود دائماً ناآرام است و آرام و قرار ندارد و در اینجا به نشانه کسی است که آرام و قرار ندارد و باعث به هم زدن آرامش دیگران می‌شود.

ستاد تهیه و توزیع ویروس: شخص سرماخورده و مبتلا به ویروس سرماخوردگی ستاد در معنی قرارگاه یا مرکز است و در اینجا فرد مبتلا به ویروس سرماخوردگی است به مرکزی برای انتشار ویروس که یکی از عوامل بیماری‌زایی است که به سرعت تکثیر و منتشر می‌شود، تشبیه شده است.

میکروب: بی‌ارزش

میکروب خوش‌تیپ: باطن کثیف ولی ظاهر خوب.

میکروب‌ها یکی از پیش پا افتاده‌ترین و شناخته‌شده‌ترین عوامل بیماری‌زا هستند که معمولاً درمان و نابودی آن‌ها نیز شناخته شده است و از نظر سبب نیز بسیار کوچکند و با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شوند، و از این جهت به نشانه یک چیز بی‌ارزش و کوچک و ساده به کار می‌روند. وقتی صفت خوش تیپ را به آن اضافه می‌کنیم؛ یعنی، در واقع، به یک عامل بیماری‌زا که در باطن چیز ناخوشایندی است ظاهری زیبا را نسبت می‌دهیم.

۵-۵ اصطلاحات پزشکی

به گروه خونی کسی آمدن (خوردن): با او سازگار بودن؛ از عهده او برآمدن.

در پزشکی چهار گروه خونی وجود دارد که هر کدام نیز زیر گروه‌هایی دارند که در هنگام نیاز تنها می‌توان از خون افراد دیگر با همان گروه خونی استفاده کرد و اگر گروه‌های خونی مشابه نباشند یا اصطلاحاً به هم نخورند انتقال خون موجب مرگ خواهد شد از این اصطلاح پزشکی به نشانه سازگار بودن کسی یا چیزی استفاده می‌شود.

به درد نخور: بی فایده.

درواقع، به چیزی که بی‌خاصیت است و هیچ دردی را کاهش نمی‌دهد و از بین نمیبرد به کار می‌رود که از درد به نشانه مشکل و از به درد نخور به نشانه بی‌فایده برای حل مشکل استفاده شده است.

تزریق: هرئینی.

خط دکتری: ناخوانا

پزشکان به دلیل ضیق وقت و تند نوشتن معمول خط خوشی ندارند و خط آن‌ها برای همگان خوانا نیست به نشانه بدخطی و ناخوانا بودن به کار می‌رود.

بو آمپول می‌ده: به فردی که مشروبات الکلی مصرف کرده است، گفته می‌شود.

بوی الکلی که هنگام تزریق آمپول استفاده می‌شود به نشانه بوی الکلی که در مشروبات الکلی وجود دارد به کار رفته است.

۵-۶ ضرب‌المثل‌ها

پس از بررسی داده‌ها و نمایاندن معنای ضمنی برخی از آن‌ها، به بررسی و تحلیل برخی از داده‌ها که به صورت ضرب‌المثل در زبان فارسی درآمده‌اند پرداخته می‌شود تا از این رهگذر بتوان به تغییر رفتار نشانه‌های نظام نشانه‌ای پزشکی در هنگام ورود به نظام نشانه‌ای زبان فارسی و پس از آنکه در میان عامه مردم و گویشوران زبان فارسی جایگاه نسبتاً تثبیت شده‌ای یافت دست پیدا کرد: برای کسی بمیر که برایت تب کند: یعنی برای شخصی فداکاری کن که ارزشی برای تو قائل است.

تب، در واقع، جزو ابتدایی‌ترین علائم در بیماری‌هاست و مرگ در اثر بیماری در نهایت و آخرین مرتبه در بیماری است. در اینجا تب در ابتدا به صورت یک نشانه علی‌نمایان می‌شود که در علم پزشکی، در واقع، به علت وجود بیماری بروز می‌کند که در ابتدا به دلیل همین مسأله به کنایه از اینکه برای کسی آخرین مرحله و رتبه در فداکاری که جان باختن است را انجام بده که ال اقل اولین درجه و ابتدایی‌ترین قدم‌ها را برای تو برداشته باشد و به اصطلاح از دوری یا نبود تو تب کند، ولی پس از کاربرد مکرر این اصطلاح و تبدیل آن به یک ضرب‌المثل می‌بینیم که این نشانه علی در واقع تبدیل به یک استعاره شده و در واقع به صورت شمایل

بازنمایی می‌شود. یعنی، در واقع، دیگر در مفهوم ضمنی به کار نرفته و هنگام استفاده مستقیماً به مفهوم شمالی خود دلالت می‌کند.

آش نخورده و دهان سوخته: فایده نبرده، ضرر چیزی را دیدن؛ بی‌گناه متهم شدن

آش، در واقع، غذایی است که داغ سرو می‌شود و معمولاً خوردن آش باعث سوختن دهان می‌شود ولی این سوختن به دلیل لذتی که از خوردن آش حاصل می‌شود قابل تحمل است، و این ضرب‌المثل هنگامی به کار می‌رود که کسی حظی از چیزی نبرده ولی دچار مشکلات آن شده است. ولی همان‌طور که شاهدیم از واژه «آش» استفاده شده است و نه از واژه سوپ یا هر واژه دیگر و این باز هم به دلیل نشاننداری غذایی مثل «آش» در نزد ایرانیان است.

نمک به زخم کسی پاشیدن: ناراحتی او را تشدید کردن.

نمک به دلیل ترکیب شیمیایی خود باعث سوزش و خارش در سطح پوست صدمه دیده می‌شود و این در حالی است که زخم به خودی خود سوزش و درد دارد و نمک باعث افزایش آن می‌گردد. بنابراین، در واقع این ضرب‌المثل زمانی به کار می‌رود که کسی یا چیزی باعث تشدید ناراحتی و درد شخص دردمند و دچار مشکلی بشود سر بی‌درد را دستمال بستن: کار بیهوده کردن در گذشته عموماً برای تسکین درد روی موضعی که درد می‌کرد را با دستمالی می‌بستند تا تسکین یابد و این کار در هنگامی که دردی وجود نداشته باشد کاری عبث و بیهوده می‌نماید و بدین ترتیب کنایه از آن است که شخصی بی‌جهت کار بیهوده‌ای را انجام دهد.

۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد تا از منظر نشانه‌شناسی به کار برد واژه‌ها و اصطلاحات علم پزشکی در اصطلاحات رایج در فارسی محاوره‌ای پرداخته شود. در راستای نیل بدین هدف پس از استخراج داده‌های اولیه و ذکر نمونه برای هر یک در مفهوم صریح‌شان در نظام نشانه‌ای پزشکی، همچنین ضمن ارائه نمونه‌هایی برای کاربرد مفهوم ضمنی این واژه‌ها و اصطلاحات در زبان فارسی، مشخص شد که هر یک از این نمادها به هنگام انتقال به نظام نشانه‌ای زبان فارسی از چه رفتار تازهای برخوردار می‌شوند. پس از تحلیل داده‌های استخراج شده این نتیجه حاصل شد که از میان واژه‌ها و اصطلاحات پزشکی، اندام‌واژه‌ها در زبان فارسی محاوره‌ای کاربرد فراوانی دارند و در این میان چند اندام‌واژه کاربرد گسترده‌تری نسبت به بقیه اندام‌واژه‌ها در اصطلاحات فارسی گفتاری دارند و اکثراً در معنای ضمنی خود به کار می‌روند. به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که این واژه‌ها و اصطلاحات که به‌عنوان نشانه‌های علی و یا قراردادی در نظر گرفته می‌شوند، در ضرب-المثل‌های زبان فارسی به‌صورت شمایل بازنمایی می‌شوند. مجموعه‌ای نظیر اندام‌واژه‌ها، بیماری‌ها، عوامل

بیماری‌زا، داروها و برخی اصطلاحات تخصصی مورد کاربرد در این علم که به نظام نشانه‌ای زبان فارسی راه یافته‌اند، در مفهومی ضمنی به کار می‌روند که از این دسته کاربرد اندام‌واژه‌ها از بقیه بسیار بیشتر است. واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی علم پزشکی که از نظام نشانه‌ای پزشکی به نظام نشانه‌ای زبان فارسی راه یافته‌اند، در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی به صورت نشانه‌ شمایی بازنمون می‌شوند و در این بازنمون شدن، در واقع، نشاننداری التزامی نیز نقش بسزایی را بازی می‌کند.

منابع فارسی

- افراشی، آریتا (۱۳۷۹). نگاهی به مسأله نشاننداری معنی‌شناختی و پیشنهادی در طبقه‌بندی آن در زبان فارسی. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۹۸: ۸۵۴-۸۲۱.
- پیرس، چالرز سندرس (۱۳۸۱). «منطق به مثابه نشانه‌شناسی: نظریه نشانه‌ها». ترجمه فرزانه سجودی. *زیباشناخت*، شماره: ۶۴-۵۱.
- روبینز، رابرت هنری (۱۳۸۷). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران: کتاب‌ماد.
- سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی کاربردی. ویرایش دوم. تهران: نشر علم
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). *نشانه‌شناسی نظریه و عمل*. تهران: نشر علم
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۶). بارت: از ساختگرایی تا آستانه‌سازی. مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌های بارت و دریدا، ناشر: فرهنگستان هنر
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵). *نشانه معنانشناسی ادبیات*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس
- صفوی، کورش (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. جلد دوم: شعر. تهران: همشهری
- صفوی، کورش (۱۳۹۳). *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*. تهران: علمی
- کالر، جانان‌تان (۱۳۷۹). *فردینان دو سوسور*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس
- گل‌محمدزاده، داریوش (۱۳۸۵). نشانه‌شناسی رنگ‌واژه‌های زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی: تهران

References

- Barthes, R. (1964). *Elements of Semiology*. (Annette Lavers and Colin Smith trans.). London: Jonathan Cape.
- Chandler, D. (2002). *Semiotics: The Basics*. London: Routledge.
- Clarke, D. S (1987). *Principles of Semiotic*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Jacobson, R. (1978). *Six Lectures on Sound and Meaning*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.

- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Morris, C. W. (1938). *Foundations of the Theory of Signs*. Chicago: University of Chicago Press.
- Peirce, C.S. (1958). *Collected Papers of Charles Sanders Peirce*. Vols. 1-6, C. Hartshorne, & P. Weiss (Eds.), Vols. 7-8, A.W. Burks (Ed.), Cambridge, MA: Harvard University Press, pp. 1931-1935.